

نازه‌ها دفتر

کتاب شیخیه و بابیه در ایران به چاپ دوم رسید

کتاب «شیخیه و بابیه در ایران»، اثر مهدی نورمحمدی، هشت ماه پس از چاپ اول، تجدید چاپ شده‌به گزارش خبرنگار مهر، این کتاب که در ۵۵۱ صفحه تنظیم شده، دارای ۱۲ فصل است: ۱- شیخ احمد احساسی، ۲- شهید ثالث (ه)، ۳- سیدکاکظم رشتی، ۴- شیخیه بعد از سیدکاکظم، ۵- سیدعلی محمد باب، ۶- آثار و احکام باب، ۷- شورش قلعه طبرسی، ۸- فتنهٔ دارایی، ۹- شورش بابیان در زنجان، ۱۰- قتل عام بابیان، ۱۱- طاهره قره‌العین، ۱۲- بابیان پس از باب. بعد از فصل دوازدهم و در پایان کتاب، تعداد ۵۶ قطعه عکس و سند به چاپ رسیده که از آن میان می‌توان به عکس و دستخط شیخ‌احمد احساسی، سیدکاکظم رشتی، سیدعلی‌محمد باب، طاهره قره‌العین و عکس خانهٔ قره‌العین در قزوین، صحرای بدشت، باغ ایلخانی (محل قتل قره‌العین) و محل ضربت خوردن شهید ثالث توسط بابیان، اشاره کرد.با توجه به اینکه فرقه‌های شیخیه و بابیه، مقدمه تشکیل فرقه بهائیت به شمار می‌روند، از این دو فرقه بیشتر در کتب مربوط به نقد و رد بهائیت سخن رفته و کتابی جامع در این خصوص، کمتر به چاپ رسیده، اما به نظر می‌رسد این نقیصه در کتاب حاضر، جبران شده و به طور مستقل به چگونگی پیدایش فرقه‌های شیخیه و بابیه پرداخته شده‌است. از ویژگی‌های این اثر تحقیقی و تاریخی، بهره‌گیری از اسناد و منابع منتشر نشده است که بر جذابیت آن افزوده است. برخی از مطالب این کتاب برای اولین بار است که به چاپ می‌رسد. برای مثال، مندرجات فصل ۱۱ (شیخ احمد احساسی و طاهرهٔ قره‌العین)، از جمله مطالبی است که کمتر در کتب دیگر به این گستردگی و تفصیل به آنها پرداخته شده است.



کتاب «آشنایی با مبانی سینما و نقد فیلم» منتشر شد

کتاب «آشنایی با مبانی سینما و نقد فیلم» نوشته وان باکلند با ترجمه پژمان طهرانیان توسط انتشارات معین منتشر و راهی بازار نشر شد.به گزارش مهر، حجم زیادی از مطالب این کتاب، از سخنرانی‌ها و کلاس‌های درسی مولف برای دانشجویان کارشناسی دانشگاه انگلیای شرقی، دانشگاه جان مورز لیورپول، دانشگاه‌های آمستردام و آکسفورد پرورز کرز استخراج شده است. مولف در ابتدا اشاره کرده که این کتاب، مرهون دانشجویان است که تا پایان سر کلاس‌ها حضور داشتند و واکنش‌هایشان به او یاری رسانده است.این کتاب در سال ۲۰۱۰ چاپ شده است. مفهومی که باکلند در پی القای آن است، این است که فیلم‌ها صرفا به معنای تلاش در به خاطر سپردن نام هنر پیشه‌ها یا از بر کردن نام فیلم‌های کارگردان یا بازیگر محبوبتان نیست. بررسی فیلم یعنی نگاهی دقیق به فیلم که نیازمند ساعت‌ها، تحقیق و مطالعه است. این کتاب مخاطب را به مجموعه‌ای از مفاهیم مجهز می‌کند تا بتواند تدابیر هنری، تکنیکی، فنی و داستان‌گویی اتخاذشده برای ساخت هر فیلمی را تجزیه و تحلیل کند.

"ناظم حکمت" شاعری از دل اجتماع



« مهدی طوسی در گذشته ۳ ژوئن (۱۹۶۳) از برجسته‌ترین شاعران و نمایشنامه‌نویسان ترکیه بود.

یونان امروزی که در آن زمان جزو امپراتوری عثمانی بود، به دنیا آمد.

او از سن ۱۴ سالگی به سرودن شعر پرداخت. او در سن ۱۹ سالگی در سفری که به شوروی داشت از نزدیک با نسل جدید هنرمندان انقلابی آشنا شد و جسارتی بیشتر را در ایجاد تحول در شکل و محتوای شعر ترکیه یافت.

ناظم همواره از شاعرانی بود که فعالیت هنری اش را محدود نمی کرد. او با انتشار اشعار و مقاله‌های خود در میان جوانان محبوبیت ویژه ای داشت.

در سال ۱۹۲۰ مصطفی کمال پاشا قوایی را تشکیل داد و در صدد نجات میهن از دست بیگانگان برآمد. همه کسانی که شور نجات وطن را در دل داشتند، بسوی انقره رو می آوردند. در همین سال ناظم نیز که زندگی در استانبول و در زیر چکمه اشغالگران برایش غیر قابل تحمل شده بود به آناتولی سفر می کند. و در راه این سفر است که اولین بار با زندگی نکبت‌بار زنان و کودکان گرسنه و برهنه و بیمار وطن خود آشنا می‌شود که آنرا هرگز تا پایان عمر نمی‌تواند فراموش کند از آن پس همه اشعارش از زندگی این مردم الهام گرفت. از برجستگی‌های شعر ناظم حکمت سادگی و روانی آنست که تاثیر بسیاری از مایاکوفسکی دارد.

یکی از ریشه‌های مردمی شعر «حکمت» ترانه‌هایی بود که «عاشیق»های ترک می خواندند، این عاشیق‌ها که بخشی از فرهنگ فولکلور ترکیه محسوب می شوند تاثیر بسزایی در شعر «حکمت» داشتند و این تاثیر در شعر او بر مردم عوام است که نشانه‌های خود را به منصفه ظهور می رساند.

ناظم حکمت در آناتولی خواستد در جنگ استقلال شرکت کند ولی پذیرفته نشد و از

نیروی دریایی به خاطر افکار کمونیستی اش اخراج شد. بالاخره به عنوان معلم به یکی از دهات آناتولی فرستاده شد. معلمی در آنجا او را بیشتر به مردم فقیر نزدیک کرد چنانکه محبوبیتش در میان مردم زنگ خطری برای خوانین و منتقدین محلی محسوب می شد و آنان تصمیم به قتل او گرفتند. عرصه به روی او کاملاً تنگ شد و سرانجام ناگزیر به فرار به روسیه گردید.

در سال ۱۹۲۵ که دیگر جنگ پایان یافته بود و مصطفی کمال رئیس جمهور ترکیه بود به وطن بازگشت و به انتشار اشعارش در مجله پرداخت. ولی بعد از چندی تحت تعقیب قرار گرفت و ناگزیر زندگی مخفی اختیار کرد. سپس غیاباً به پانزده سال حبس محکوم شد. ناظم دوباره به مسکو پناه برد. دوسال بعد پس از تصویب قانون عفو عمومی به ترکیه آمد. اما به‌محض آنکه قدم در خاک وطنش گذاشت دستگیر شد.

این اقدام دولت ترکیه با انتقادهای شدید از داخل و خارج مواجه شد و سرانجام دولت مجبور گردید او را آزاد کند. در جهان شعر معاصر شاعری بود که روزگار زیستن اش را صرف رسیدن به هدفش می کند، او می نویسد برای آزادی و استقلال سرزمین اش.

استعمار و استبداد، سلطه فاشیسم، دیکتاتوری و فضای خفقان کشورش را اشغال کرده‌اند و ناظم حکمت نمی‌تواند از این پدیده‌ها به آسانی بگذرد و آن را نادیده بگیرد. پس می نویسد و این نوشتن حوصله زامانداران وقت سرزمین اش را سر می برد. از این به بعد بارها او را به دلایل مختلف دستگیر می کنند.

ناظم ۲۷ ساله با دو حبس ۲۰ و ۱۵ ساله به ۳۵ سال زندان محکوم می‌شود در سال ۱۹۳۸ به ۱۵ سال زندان محکوم شد و ماه‌ها را در یک سلول کوچک و ممنوع‌الملاقات سپری کرد. بعدا باوجود اینکه در زندان بسر می‌برد در محاکمه دیگری به جرم عصیان علیه حکومت مرکزی به ۲۰ سال زندان محکوم شد و آخرین حکم محاکمه از ۲۸ سال و چند ماه رسید ناظم حکمت شاعر آزادی روز زندان روزگار سختی را می گذراند .

پس از آزادی اش به او گفتند باید به خدمت نظام وظیفه برود و او که حدود پنجاه سال داشت، دانست که این دسیسه ای است برای از بین بردنش و چون در آن سن و سال نه توان مقابله داشت نه حوصله درگیری، تصمیم گرفت از سرزمین اش کوچ کند. دسیسه دشمنانش این بود که او را به خدمت سربازی در منطقه ای بد آب و هوا ببردند و در آنجا او را از بین ببرند یا شایب او خود به خود به دلیل بیماری هایش از بین برود. ناظم حکمت که در پلیس دریایی ترکیه خدمت کرده بود و دیگر خدمت سربازی برای او قانونی نبود.

سرانجام ناظم حکمت شاعر آزادی سرزمین ترکیه در ژوئن ۱۹۶۳ در اثر حمله قلبی در مسکو جان سپرد و در گورستان نووودویچی به خاک سپرده شد.

ناظم حکمت در ۱۳ سال به کشورهای زیادی رفت، شعر خواند و سخنرانی کرد در همین ایام بود که در فستیوال جوانان برلین با «پابلو نرودا» شاعر شیلیایی آشنا شد همان که پس از مرگ ناظم حکمت مرثیه ای دردناک برای او سرود.



زندگی نامه برده سودانی برنده جایزه نجیب محفوظ ۲۰۱۴

آشپزخانه‌های شهر نیست» رسیده بود. در طول سال هایی که از اهدای این جایزه می گذرد، مصر بیش از همه کشورهای عربی این جایزه را دریافت کرده که ۱۱ بار از ۲۰ بار اهدای این جایزه را در برمی گیرد. گروه داوری کتاب برنده امسال را داستانی عاشقانه پیچیده‌ای خواند که زندگی یک برده سودانی در قرن نوزدهم را در سودان روایت می کند.

گروه داوری همچنین از الگوهای متنوعی که نویسنده برای خلق شخصیت‌هایش استفاده کرده تجلیل کرد و سبک نویسندگی زیادا را نیز ستود. جایزه نجیب محفوظ با حمایت مالی انتشارات «ای یوسی» که ناشر بیش از ۵۰ جلد کتاب نجیب محفوظ به زبان انگلیسی است و مسئولیت انتشار این کتاب‌ها را به عهده دارد و در ۴۰

ها مور زیادا نویسنده سودانی که زندگی نامه یک برده سودانی قرن ۱۹ را به نثر در آورده بوده، به عنوان برنده جایزه ادبی نجیب محفوظ در سال ۲۰۱۴ انتخاب شد.

به گزارش مهر به نقل از اهرام آنلاین، جایزه سالانه نجیب محفوظ که از آن به عنوان نوبل مصری یاد می شود، در روز تولد نجیب محفوظ برنده امسال خود را معرفی کرد.

ها مور زیادا نویسنده و رمان نویس سودانی برای رمانی با عنوان «شوق یک درویش» به عنوان برنده جایزه نجیب محفوظ در سال ۲۰۱۴ انتخاب شد. گروه داوری این جایزه امسال متشکل بود از تاهیا عبدالناصر، شیرین ابوالنجا، مونا تولبا، هافر می دیویس و راشد العنانی. سال پیش این مدال به نویسنده سوری خالد خلیفه برای رمانی با عنوان «چاقویی در



حرکتی مثبت که باید تداوم یابد

هستند. از سوی دیگر این حرکت باعث خواهد شد تا فرهنگ غلط اهدای ۵۰ هزار تومان یا ۱۰۰ هزار تومان به مدرسه برای تأمین نیازهای فرهنگی بچه‌ها جای خود را به مشارکت جدی تر والدین دهد. در این‌جا اولیا انتخابگران اولیه هستند و در مرحله بعد مدرسه با توجه به اشرافی که به نیازهای فرهنگی بچه‌ها و گروه سنی آن‌ها دارد وارد عمل می‌شود و در جهت گزینش بهترین‌ها برای بچه‌ها اقدام می‌کند. به گفته این نویسنده، برای تولید هر چیزی نیاز به آن ضرورت دارد و در زمینه کتاب و کتابخوانی نیز بایستی نیاز به فرهنگ مطالعه در جامعه شکل گیرد. او همچنین گفت: اگر قرار باشد ما به عنوان اولیا منتظر بنامیم بچه‌هایمان وارد مدرسه شوند تا مدرسه با انتخاب بهترین کتاب‌ها آن‌ها را به کتاب خواندن علاقه‌مند کند به بی‌راهه رفته‌ایم. فرهنگ مطالعه در درجه اول باید در میان اولیا وجود داشته باشد و این حرکت اخیر آموزش و پرورش در به مشارکت طلبیدن والدین برای تجهیز کتابخانه‌ها باعث می‌شود تا به آن دامن زد.

هادی خورشاهیان که به تازگی داستان کوتاه «۱۰۷۳۵۵» را در باره دوران اسارت سیدرضا سیدزاده در زندان قصر نوشته است، از لزوم فرهنگ‌سازی برای گسترش فرهنگ مطالعه خبر داد. این نویسنده در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به توضیح آموزش و پرورش درباره کتابخانه‌های مدرسه‌ها مبنی بر این‌که این حرکت فرهنگی که با مشارکت اولیا صورت می‌گیرد بیش تر جنبه فرهنگی دارد و کتاب‌های دریافتی از اولیا طی فرایندی مورد بررسی قرار می‌گیرد، اظهار کرد: هر دو عمل یعنی اهدای کتاب توسط اولیا به مدرسه و مرور کتاب‌ها توسط اولیای مدرسه‌ها به منظور تناسب با رده‌های سنی دانش‌آموزان حرکتی مثبت است که باید تداوم پیدا کند.

او افزود: این حرکت باعث خواهد شد که اولیا به عنوان دلسوزترین افراد برای کودکان‌شان در جریان محتویات فرهنگی که در قالب کتاب به کودکان‌شان منتقل می‌شود قرار بگیرند و آن‌ها برای انتخاب بهترین‌ها برای فرزندان‌شان بهترین

خبر ادبی

عبدالله کوثری:

زبان فارسی آن پیزی‌ست که بیضایی و شاملو می‌نویسند

«رامین جزایری»



بی‌شک عبدالله کوثری در شناساندن ادبیات آمریکای لاتین به مخاطبان ایرانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. او در هنگام تحصیلات دانشگاهی سروده‌هایش را در سبک نو-د هفته‌نامه‌ی خوشه به سردبیری احمد شاملو و در ماهنامه‌ی نگین به سردبیری دکتر محمود عنایت منتشر می‌کرد. همچنین در شب‌های شعر خوشه در کنار شاعرانی چون شاملو، اخوان ثالث، مصدق، نصرت رحمانی م. آزاد و دیگران؛ شعرهای خود را می‌خواند. پس از پایان دانشگاه به لندن مهاجرت کرد و پس از بازگشت گام در راه ترجمه‌ی کارهای داستانی نویسندگان آمریکای لاتین گذاشت.

گفتگوی ایلنا با این مترجم نام‌آشنا را در ادامه می‌خوانید: آق‌ای کوثری ادبیات غسنی و پرپار اروپا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم به یکباره سر از آمریکای لاتین در آورد و امروز به جرات باید گفت که ادبیات آمریکای لاتین در بالاترین سطح قرار دارد. دلیل این اتفاق را در چه می‌دانید؟

البته من با این واژه یک‌باره که شما استفاده کردید؛ موافق نیستم. چون ادبیات آمریکای لاتین و خصوصا کشورهای دیکتاتورزده پشتوانه‌ی بسیار قوی دارد. اما بنابر شرایط حاکم‌بیشترین توجه به ادبیات در اروپا بود و پس از دهه ۶۰ به ترجمه آثار اسپانیایی زبان آمریکای لاتین به انگلیسی این آثار فرصت معرفی و مطرح کردن خود را پیدا کردند.

* شما تمام آثار خود را از زبان انگلیسی ترجمه کرده‌اید، نه از اسپانیایی. این مسأله تأثیری در اصل اثر نویسنده ندارد؟ طبیعتاً اگر ترجمه از زبان اصلی باشد؛ بهتر است. البته ترجمه‌های انگلیسی این رمان‌ها اغلب مورد تأیید و حتی ستایش نویسندگان آن بوده است. اگر سعید نفیسی و محمد قاضی و شاهرخ مسکوب و آخر از همه خود من، قرار بود منتظر ترجمه آشنا با یونانی یا اسپانیایی ... بمنازیم تا همین امروز نه ایلیاد و اودیسه را خوانده بودیم؛ نه نه کیسوت و نه ترازده‌های یونان و ادبیات امریکای لاتین را نداشتیم. در این میان مسأله‌ای که جای تاسف دارد این است که مترجمانی که آن زبان‌ها را بلدند؛ فرصت نکرده‌اند ایلیاد یا دن کیسوت یا مثلا مجموعه آثار آیسخولوس و جنگ آخرالزمان و امثالهم را ترجمه کنند و نشان بدهند مترجم قلبی تا چه حد و در کجا و چرا به اثر لطمه زده است.

مترجمان انگلیسی آمریکای لاتین از نسل اول‌شان تا امروز انگشت‌شمارند. مثلا مارکز و یوسا و... را فقط «راباسا» ترجمه می‌کند که از بهترین مترجمان آمریکای لاتین است. به‌طوری‌که مارکز درباره او گفته ترجمه انگلیسی‌اش از اصل آثار من بهتر است. آثار فونتنس را خانم «مارگارت سیرز پدن» ترجمه می‌کند. آثار یوسا را خانم «هلن لین» ترجمه می‌کند. دو سه نفرند که آثار مطرح آمریکای لاتین را به انگلیسی ترجمه می‌کنند، از این‌رو ما می‌توانیم امیدوار باشیم که در این آثار چون نثر است، افت کمتری وجود دارد.

* آیا در ترجمه این آثار به مشکلی در زبان فارسی برخوردید که شما را در تنگنا قرار دهد و احساس کنید یکی از این دو زبان فقیر تر یا غنی‌ترند؟

در وهله اول؛ طبیعی است که به سبب تفاوت‌های فرهنگی گاه مترجم با کمبود واژه یا نبود مدالی فرهنگی در زبان مقصد روبه رو می‌شود. اگر منظور شما از تنگنا این باشد که بله، تنگنا همیشه وجود دارد، اما رهایی از تنگنا به تسلط مترجم به زبان و فرهنگ مقصد و آشنایی با فرهنگ خالق اثر عمل بستگی دارد.

در وهله دوم؛ هیچگاه دو زبان دقیقا باهم مطابقت ندارند. یعنی مترجم نمی‌تواند صرفا با فارسی کردن واژه‌های متن اصلی به متنی برسد که هم رساننده‌ی معنی و هم در زبان مقصد متنی شیوا و درست و خلاصه و کامل باشد. آنچه ترجمه را میسر می‌کند، مشترکات انسانی است که هر چند تحت تاثیر فرهنگ و تاریخ تفاوت‌هایی پیدا می‌کند اما در ذات خود برای همه آدم‌ها قابل درک است.

اما در مورد غنی بودن زبان فارسی در حیطه ترجمه باید بگویم ترجمه در ایران مسأله‌ی تازه‌ای نیست. بسیاری از بهترین متون فارسی ترجمه هستند. از قرآن تا تاریخ بلعمی و کلیله و دمنه و... این سبب شده که توان زبان فارسی بیشتر شود. اما متأسفانه به دلیل ترجمه‌های سطحی و ضعیفی که گاه با آن مواجه می‌شویم؛ بسیاری به این نتیجه رسیده‌اند که زبان فارسی در حوزه ترجمه زبانی فقیر است اما ابدا چنین چیزی نیست. زبان فارسی بسیار غنی است. زبان فارسی آن چیزی است که بیضایی می‌نویسد، شاملو می‌نویسد، آل احمد، مسکوب، نجفی و آشوری می‌نویسند، نه آن چیزی که در زبان روزنامه و تلویزیون ما خوانده و شنیده می‌شود یا در بعضی تالیفات و ترجمه‌ها می‌بینیم.

نغمه

یواشکی

«ناظم حکمت»

من هنوز گاهی یواشکی خواب تو را می بینم ... یواشکی نگاهت می کنم ... صدایت می کنم ... بین خودمان باشد اما من هنوز تو را یواشکی دوست دارم.